

روابط مغولها با دربار و اتیکان

چند سال پیش در کتابخانه
مجلس شورای ملی هنگام مطالعه
نشریات وزارت امور خارجه به
مقاله‌ای بقلم شادروان استاد سعید
نفیسی تحت عنوان «نمونه‌ای از
روابط دربار و اتیکان» برخوردیم
استاد فقید در خصوص بایگانی
معروف دربار و اتیکان و وجود
مجموعه‌های جالبی از نامه‌های
سلطین ایران در آن اشاره و
اضافه نموده بود که امید است
روزی کسی همت کند و آنرا
انتشار دهد.



بقلم

علا الدین آفری

(دکتر دینیخ)

با مطالعه این مقاله نگارنده
بر آن شد تا آنجائیکه مقدر
است باین تقاضا و خواست استاد
جامعه عمل بپوشاند. لذا
بزودی فهرستی از نامه‌های

موجود در آرشیو واتیکان تهیه و در اختیار سفارت آن دولت قرار گرفت و پس از چندماه قنوق کمی قسمت اعظمی از نامه‌های مزبور دریافت گردید.

اولین قسمتی که اکنون بعنوان مقدمه بشرح آن میپردازیم روابطی است که مغولها قبل از ایجاد دولت ایلخانی در ایران با دزبار پاپ برقرار کرده بودند.

پس از فوت چنگیز خان (۶۲۴ ه. ق) شورای بزرگ مغول (قوریلتا)

برای تعیین جانشین وی تشکیل شد و اکنای قآن را بعنوان خان بزرگ مغول انتخاب کرد. طبق تصمیمات شورا مقرر گردید که با توخان فرزند جوجی و گیوک فرزند اکنای و منگو پسر تولی خان مامور تسخیر نواحی مختلف اروپا شوند. نوادگان چنگیز عازم اجرای ماموریت خود شده و با اروپا تاختند.

در جلگه‌های اطراف رودخانه بزرگ ولگا رؤسای قبایل اسلاو را شکست داده و بلاد معتبر ولادیمیر و مسکو را طعمه حریق ساختند، آنگاه ایالت بزرگ اراکراین را مورد حمله قرار داده و پس از اندک زمانی موفق باشغال آن شدند و بدین ترتیب تمامی خاک روسیه را تحت استیلا خود درآوردند.^۱

مغولها بعد از فتح روسیه بسوی لهستان و مجارستان تاخته و سپاهیان متحد

آلمانی و لهستانی را در سال ۶۳۹ بکلی تارو مار ساختند و کمی بعد بحوالی شهر

برلین رسیدند، دسته‌ای دیگر از سپاهیان مغول پس از شکست دادن مجارها تا

نزدیکی شهر وین پایتخت تاریخی اتریش پیش رفته و چیزی نمانده بود که

کلیه کشورهای اروپای غربی را بتصرف درآوردند ولی خبر در گذشت او کتای

سران مغول را بیازگشت مجبور ساخت...^۲

پس از بازگشت قوای تاتار از اروپا پاپ و سلاطین اروپائی که از

پیشرفت برق آسای قوای مغول بکلی مضطرب و بیمناک شده بودند در صدد

برآمدند که از طریق سیاسی و دیپلماسی مانع از هجوم مجدد مغول با اروپا

شده سعی نمایند که توجه آنها را بسوی کشورهای اسلامی معطوف سازند.^۳

۱- پسر بزرگ چنگیز

۲- ر.ک به کتاب تاریخ مغول - عباس اقبال آشتیانی ص ۱۴۷ تا ص ۱۴۸

۳- همان کتاب ص ۱۵۹ تا ص ۱۶۰

۴- وجود گروه زیادی از مسیحیان در دربار مغول کمک زیادی بنقشه‌ها و هدیه‌های آنان

مینمود و از طرفی بعضی از قبایل مغول مانند کرائیت و اوینور و حتی نایمان مسیحی بودند.

قوریلتهای مغول این بار پس از کشمکش های بسیار گیوک خان را بریاست و پیشوائی مغول برگزید، مادر گیوک تو را کیناخاتون مسیحی بود و قریب چهارسال بعد از وفات شوهر و قبیل از جلوس پسر سلطنت کرد، از کودکی اتابکی یعنی تربیت و مراقبت از پسر خود گیوک را بامیر قداق عیسوی واگذار کرده بود^۱ گیوک خان بعد از رسیدن بمقام خانی چینقای مشاور مسیحی پدر خود در مقام وزارت بخشید و این دو مسیحی بحدی در گیوک نفوذ یافته بودند که ویرا بمیل خود بحمايت و مساعدت نسبت بمسیحیان و دشمنی و خصومت با مسلمانان برمی انگیختند^۲.

در کتاب جامع التواریخ راجع بر رفتار و سلوک خانهای مغول با مسیحیان و پیروان سایر مذاهب اینطور منقول است:

«جماعتی که بحکم یرلیغ چنگیز خان و قآن^۳ از زحمات و تکالیف معافند از اسلامیان طایفه سادات بزرگوار و مشایخ کبار و ائمه اختیار و از نصاری ارکانان^۴ و قسیسان و رهبانیه و اختیار^۵»

در باره توجه و عنایتی که گیوک خان نسبت بمسیحیان داشته و دسیسه کاری این جماعت برای نابودی و فتنای مسلمانان بکمک خان بزرگ مغول در کتاب روضة الصفا نیز مطالبی بدین شرح مذکور است:

«در بعضی از تواریخ بنظر رسیده که جمعی از نصرانیان که در زمره نواب گیوک خان انتظام داشتند نشانی حاصل کردند که مسلمانان ممالک محروسه را خصی کنند و یکی از عظماء آن طایفه نشان را گرفته از بارگاه بیرون آمد تا بشارت بترسایان رساند و گماشتگان در ولایت بدان عمل نمایند، اتفاقاً سگان درنده در وی افتادند و خصیتین او را کردند. نصاری بعد از آن از

۱- روضة الصفا جلد پنجم (ذکر تقویت گیوک خان نصاری را)

۲ تاریخ مغول عباس اقبال صفحه ۱۵۴

۳- منظورا گنای قآن است

۴- رؤسای مسیحیان یا نصاری را در عهد مغول ارکون میخواندند و جمع آن ارکانان است.

۵- ص ۱۹۳ چاپ دکتر کریمی جلد دوم دیماه ۱۳۱۳ (بهمن میرزا- کریمی)

اعجاز دین محمدی علیه الصلوة والسلام هر اسان شده نام آن نشان نبردند^۱
 در هنگام انتخاب گیوک خان بعنوان پیشوای مغول نمایندگانی از ممالک
 مختلف منجمه دربار واتیکان حضور داشتند.

نماینده پاپ مردی ایتالیائی بنام یوهانس دوپلانوکاربینو^۲ از کشیشان
 فرقه فرانسیسکن^۳ بود که مأموریت داشت اولاً اقوام مغول را بآیین
 مسیحیت تبلیغ نموده و در ثانی آنها را باتحاد و اتفاق با اروپائیان بر
 علیه مسلمانان تحریک نماید^۴ این کشیش روز شانزدهم آوریل سال ۱۲۴۵ از
 جانب پاپ انیوسان چهارم (۱۲۵۴ - ۱۲۴۳) شهر لیون را بعزم
 مغولستان ترك گفت و روز چهاردهم فوریه سال ۱۲۴۶ بشهر کیف^۵ که
 ابتدای منطقه نفوذ مغولها بود وارد شد و پس از مدتی اقامت عازم سرای^۶ که
 مرکز مغولان در روسیه بود گردید و در این شهر بخدمت باتو خان پسر جوجی
 رسید.

۱ - ج پنجم ص ذکر نشده چاپ ... در دوره ناصرالدینشاه بوسیله رضاقلی خان هدایت
 ۱۲۷۰ هجری قمری

۲ - Johanes de Plano Carpino این کشیش در سال ۱۲۲۰ در ایتالیا تولد یافته بود
 و نام ویرا در کتب مختلف تحت عنوان ژان پلان کارین و جووانی دوپیانو کارپینی و غیره
 ذکر کرده‌اند.

۳ - فرانسیسکن‌ها یا برادران دینی کهتر یکی از فرقه‌های مذهبی کاتولیک میباشند
 که در سال ۱۲۰۸ میلادی (۶۰۵-۶۰۴ هجری) بوسیله سن فرانسوا داسیز ایتالیائی (۱۱۸۲ -
 ۱۲۲۶) برای تبلیغ بیشتر دین مسیح تشکیل شد، فرانسیسکن‌ها در اواخر قرن سیزدهم میلادی
 ۱۸۰۰ صومه داشتند.

۴ - نقل از کتاب سیاست خارجی ایران تألیف دکتر کاظم صدر

۵ - این شهر که زمانی پایتخت روسیه بود و در نتیجه ایلغار مغول بویرانهای مبدل
 شده بود و در این زمان بیش از دویست خانوار سکنه نداشت.

۶ - شهر سرای پایتخت مغولان روسیه در کنار رودخانه اتل یا اتیل (ولگا) قرار داشت.

یوهانس دوپلانوکارپینو باتفاق برادرش پس از کسب اجازه از باتو عازم پایتخت مغولستان گردید و آنگاه دشت ها و صحاری را در نور دیده وارد شهر قراقروم^۱ گردیدند.

کارپینو راجع بسرزمین مغولستان مطالب جالبی دارد که مختصراً ذکر مینمائیم:

«اینجا نه قصبه است و نه شهر، همه جا بیابان است و ریگزار که یکصدم آنهم قابل کشت نیست^۲

این ناحیه فاقد درخت است بهمین سبب امپراطور و شاهزادگان حتی برای گرم کردن خود و پختن غذا جز آتش مدفوع اسب و الاغ و سیله ای ندارند. غالباً تکرگ شدید فرو میریزد و بعد از سرمای سخت ناکهان گرمائی صعب رخ مینماید و مجدداً هوا بشدت سرد میشود»

مغولان عادات زشت و ناپسند دارند گاهی هرچه دستشان میرسد حتی شپش را میخورند و از خوردن گوشت موش و گربه و سگ و خون آدمی ابائی ندارند^۳

سفر کارپینو از لیون تا قراقروم یکسال و سه ماه و شش روز بطول انجامید و درست در موقع تاجگذاری گیوک خان وارد پایتخت او شد، نمایندگان چندین کشور آسیائی و اروپای شرقی نیز حضور داشتند. کارپینو بانمایندگان روسی و گرجی و مجارستانی گرم گرفته و اطلاعات مفیدی درباره مغولستان و دربار مغول و غیره کسب نمود.

۱ - بدستور اکتای قاآن در سال ۶۳۱ در یورت اردو بالایغ در شمال مغولستان و دامنه جبال قراقروم و در محل یکی از شهرهای خراب عهد تسلط اویغورها شهر جدیدی با اسم اردو بالایغ بوسیله معماران چینی ساختند و آنجا بعداً بمناسبت نزدیکی بجبال قراقروم بهمین نام خوانده شد.

۲ - «دیگر چون در حدود قراقروم از افراط سرما زراعت نمی باشد در عهد دولت قاآن آغاز آن کردند شخصی ترب کاشت و چندی حاصل آمد آنرا به بندگی قاآن آورده فرمود تا آنرا برکها بشمارند صد عدد برآمد فرمود تا او را صد بالش دادند (البته بالش معلواذ زر) نقل از جامع التواریخ، جلد ۲ صفحه ۶۴

۳ - چنگیز خان تألیف هارولد لمب ص ۷ تا ص ۸

اقامت نمایندگان خارجی در دربارخان بزرگ بعلت سوء ظن شدیدی که مغولها نسبت بآنها داشتند فوق العاده خطرناک بود چنانکه دوک یاروسلاو نماینده روسیه را باندک سوءظنی مسموم کردند^۱ و برای سایر نمایندگان نیز این خطر همواره وجود داشت.

نماینده پاپ پس از تسلیم نامه های خود و ذکر علت مأموریت خویش نامه ای از گیوک خان برای پاپ دریافت داشت که اصل آن اکنون در بایگانی واتیکان است و متن و عکس آن در اینجانب نظر خوانندگان محترم میرسد.

نامه گیوک به اینوسان چهارم ۲

منکو تنگری کوچندا

کورانگ اولوس ننک تالوی نونک - خان یرلغمز - این مثال نیست بنزدیک پاپا کلان فرستاده شد بداند و معلوم کند مانبشت ؟ در زمان ؟ ولایتها کرل کنکاش کردست . اوتنک ایلی بندگی فرستاده از ایلچیان شما شنوده آمد . واگر سخن خویش برسید تو کی پاپاد کلان^۳ با کرلان جمله بنفس خویش بخدمت ما بیائید بر فرمان یاساء کی باشد آن وقت بشنوانیم . . .

دیگر گفته اید کی مرا در شیلیم درای نیکو باشد خوبستن را دانا کردی اوتنک فرستادی این اوتنک ترا معلوم نکردیم دیگر سخن فرستادیت ولایتها^۴ ماجر^۴ و کرستان^۵ را جمله گرفیست^۶ مرا عجب میاید ایشان را گناه چیست ما را بگوید .

- ۱ - دوک یاروسلاو که از بررگان روسیه بود از جانب باتو خان مغول مأمور دربار فراروم شده بود صفحه ۱۵۳ تاریخ مغول عباس اقبال آشتیانی
- ۲ - نقل از مقاله مغولها و دربار پاپ نوشته یل پللیو
- ۳ - کرلان - پادشاهان
- ۴ - مجارستان
- ۵ - کریستیان
- ۶ - گرفتید

این سخن تراهم معلوم کردیم فرمان خدای را چنگیز خان و قاآن هردو شنوائیدن را فرستاده فرمان خدای را اعتماد نسکرده اند هم چنان کی سخون توایشان نیز دل (۴) کلان داشته اند گردن کشی کرده اند و رسولان ایلچیان ما را کوشتند آن ولایتها را مردمان را خدای قدیم کوشت و نیست گردانید جز از فرمان خدای کسی از قوت خویشتن چگونه کوشد چگونه گیردمگر تو همچنان می گوئی من ترسایم خدای را میپرستم زاری می کنم می باسم تو چی دانی که خدای کسی را می آموزد^۱ در حق کسی مرحمت می فرماید تو چگونه دانی که همچنان سخن میگوئی بقوت خدا (از) آفتاب بر آمدن و تا فرورفتن جمله ولایتها را ما را مسلم کرد (۵) است می داریم جز از فرمان خدای کسی چگونه تواند کرد اکنون شما بدل راست بگویت کی ایل شویم کوچ دهیم تو بنفس خویش بر سر کرللان ، همه جمله يك جای بخدمت و بندگی ما بیاید ایل شما را آن وقت معلوم کنیم و اگر فرمان خدای نگیرید و فرمان ما را دیگر کند شما را ما یاغی دانیم همچنان شما را معلوم میگردانیم و اگر دیگر کند آنرا ماچی دانیم خدای داند.

فی اواخر جمادی الاخر سنه اربعه اربعین و ستمائه

اثر مهر گیوک خان در پای نامه دیده میشود^۲

این نامه که ناشی از غرور و خودخواهی خان مغول و معرف اخلاق خشن و آشتی ناپذیر طوایف تاتار بود باعث دلسردی و نومیدی پاپ و سایر سلاطین اروپائی گردید. خان مغول مایل بود که به همراه کارپینو نمایندگانی بدر بارواتیسکان اعزام دارد ولی همانطوریکه تاریخ ادبی ایران^۳ اشاره کرده است راهب مزبور بدلالی حاضر بقبول این تقاضا نشد اول آنکه ترسیده بود مبادا سفرای مغول

۱ - می آمرزد

۲ - مهررایکی از اسرای روس که کوزما نام داشت و صنعتگر بود برای گیوک خان

ساخته بود .

(۳) تألیف ادوارد براون

جنگ‌ها و مخاصمات فیما بین مسیحیان را ببینند و تشویق شوند و ناگهان بر آنان بتازند در ثانی امکان داشت که سفر نمایند گان مغول بارو یا و عبور آنها از اراضی و سرزمینهای مختلف باعث آشنائی ایشان با راهها و طرق ارتباطی مسیحیان گردیده و خان مغول را بگرفتن این نواحی تشویق نمایند.

سوم اینکه ممکن بود اروپائیان بسفرای مغول آسیبی برسانند و این عادت مغولان است که با آنهائی که سفرای ایشان را میکشند هرگز صلح نمی نمایند تا وقتیکه انتقام بگیرند.

هنگامیکه کار پینو سفیر پاپ بشهر کیف بازگشت مانند کسی بود که از مرگ حتمی جان بدر برده باشد بدین سبب بفر کشور اروپائی که پامینهاد مردم بوی میرسیدند و تهنیت و شادباش میگفتند:

اهمیت اقدام متهوران کار پینو بقدری بود که مورخین آنرا با کارهای واسکودو گامادریانورد معروف پرتغالی مقایسه مینمایند و میگویند: «کار پینو راه آسیارا گشود چنانکه واسکودو گاماراه دریائی هندوستان را باز کرد».

هیأت دوم نمایندگی پاپ

علاوه بر کار پینو کشیش ایتالیائی، پاپ اینوسان چهارم هیأت دیگری را مأمور دربار قراقروم نمود که شامل چهار کشیش باسامی آنسلم دولمباردی^۱ و سیمون دوست کانتن و آلبرک یوالکساندر^۲ از فرقه دومینیکن^۳ ساکن فرانسه بودند اینها دستجمعی بحضور پاپ بار یافته و پس از دریافت نامه‌های وی که برای رئیس قبایل تاتار^۴ نوشته شده بود عازم اولین اردوگاه مغول که در

1 - A. de Lanbardi

2 - Simon de Saint - Cantin . Alexander

۳ - Dominicanains فرقه دومی نیکن یا برادران مبلغ از فرقه‌های مذهبی کاتولیک می باشد که در سال ۱۲۱۵ میلادی (۶۱۲-۶۱۱ هجری) بتوسط سن دومی نیک (۱۱۷۰-۱۲۲۱) از روحانیون مسیحی تأسیس گشت - سن دومی نیک از روحانیون بزرگ اسپانیا بود، وی بسیار زندگی ساده‌ای داشت، شراب نمی نوشید و جامه پشمی خشن در بر میکرد، همیشه پای پیاده راه می پیمود، بیرون او نیز از دسترنج خود واحسان عامه گذران میکردند و مالک چیزی نبودند. در اواخر قرن ۱۳ میلادی دومینیکنها ۱۷۴ صومعه داشتند.

(۴) تاتار - تتر - در اینجا مراد مغولان است.

کتابخانه کلاں

کتابخانه کلاں

حاضر

این کتاب است

در این کتاب

و اینها در آن

در این کتاب

و اینها در آن

خدمت عبادت در هر زمان با سادگی و سادگی
در هر کجا که باشد در هر سلسله در هر ایام و مکان با سادگی و سادگی
و اما در هر وقت و هر مکان و هر وقت و هر مکان
در هر وقت و هر مکان و هر وقت و هر مکان
که هر وقت و هر مکان و هر وقت و هر مکان
بسیار چیزها در هر وقت و هر مکان
حکایتان و فالان و فالان و فالان
خدای را اعمال کرده اند هر چه جان و سخن و
در هر کجا که در هر وقت و هر مکان

قد بر بوسه مستی انداخته است کتاب

وزن و سبب حکو که سود حاصلی که برده مکتوبی است

مکتوبی که در بوسه مستی برای هر سبب که در بوسه

می نام نوی در ای که حدای که برای امور در

حق که در حق و در بوسه مستی که هر جا است

مکتوبی که در حدای اما به احد و تا در هر جا

فانها را با ما مسلم که در استحقاق است هر جا در



حدای که در بوسه مستی که در بوسه مستی که در بوسه

مکتوبی که در بوسه مستی که در بوسه مستی که در بوسه

خاک ایران بودند و پس از عبور از تفلیس و آذربایجان در غرب ایران بحضور بایجونویان امیر مغولان این ناحیه رسیدند (۱۲۴۷ میلادی مطابق با سال ۶۴۵ هجری قمری) این سفرا با حرکات و سکنات خود مغولان را بکلسی آزرده خاطر ساختند و اولاً نام والقباب خان مغول را نمیدانستند در ثانی آنها را بصلح و سازش و اجتناب از خونریزی دعوت مینمودند.

بایجو نویان از بی اطلاعی و نادانی نمایندگان و اتیکان بخشم آمده و بآنها پرخاش کنان گفت :

«ارباب شما پاپ باید شخص بسیار نادانی باشد زیرا که اسم مردی را که فرمانروای روی زمین است نمیداند» در باب کشتار و خونریزی نیز بروحانیون مسیحی گفته بود :

«ما از جانب فرزند آسمان باین کار مبادرت میکنیم و از او اجازه داریم» بایجو در صدد اذیت و آزار رساندن بنمایندگان پاپ بود ولی بجهت آنکه ایشان نماینده و سفیر رسمی و اتیکان بودند از اینکار اجتناب نمود و آنها را با دو نامه روانه اروپا کرد ضمناً دو ایلیچی مغول نیز بهمراه آنها اعزام داشت.

سفرای مغول در سال ۱۲۴۸ میلادی (۶۴۶ هجری قمری) بحضور پاپ رسیده و نامه های دولت متبوع خود را تسلیم نمودند مضمون یکی از نامه ها بقرار زیر است: ۱

بفرمان خان بزرگ بایجو نویان این نامه را میفرستند: «ای پاپ میدانی که رسولانت نزد ما رسیده نامه های ترا بما داده اند، رسولان تو کلمات جسورانه

برزبان راندند، نمیدانم بفرمان تو چنین گفته‌اند یا پیش خود، در هر حال این جواب را بتو میفرستم، اگر میخواهی که در زمین و آب و ملک خود حکمرانی کنی، باید خودت ای پاپ بیائی و مارا بیایی و در حضور آنکس که فرمانفرمای بسیط زمین است بایستی، و اگر نیائی ما نمیدانیم چه خواهد شد. خداوند میداند فقط از تو میخواهیم که بما جواب بدهی که خواهی آمد یا نه؟ و اگر میآئی بدوستی میآئی یا نه؟

در این نامه عبارت تهدید آمیز معمولی مفعول دیده میشود «ما نمیدانیم چه خواهد شد خدا میداند».

این عبارت را مفعولها هنگامیکه قصد جنگ و ستیز داشتند بدشمن خود مینوشتند مثلا به کیخسرو سلاجوقی از سلاجقه روم جوابی باین عبارات مبهم داده بودند:

«تو دلیرانه سخن میرانی خداوند هر کس را که بخواهد بیروز خواهد کرد!»

در کتاب جهانگشای جوینی نیز در خصوص تهدید مفعولان مطالبی بدین شرح مذکور است.

«اگر مطیع و منقاد نشوی ما آنرا چه دانیم، خدای قدیم داند.»
 میسیونهای پاپ باین ترتیب یکی پس از دیگری از آسیا بازگشتند بدون اینکه قادر باشند مفعولهای وحشی را رام سازند، تنها نتیجه‌ایکه از این مأموریتها عاید اروپائیان شده همانا آشنائی با آداب و رسوم و خصوصیات اخلاقی مفعولها بود

که تا قبل از اعزام سفرا اطلاع ناچیزی در این باب داشتند، البته اطلاع از وجود گروه زیادی از پیروان دین مسیح در میان اقوام تاتار برای پاپ و سلاطین اروپا مسرت بخش بود و با آنها این امیدواری را میداد که در آینده خواهند توانست از وجود مغولان عیسوی مذهب برای هدفهای جاه طلبانه خویش استفاده نمایند..



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی